

مطالعه و تحلیل سکه‌های مکشوف از محوطه‌ی ولیران دماوند

محمدرضا نعمتی^۱، فریبا شریفیان^{II}، علی صدرايي^{III}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.14060.1613
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷
(از ص ۱۱۵ تا ۱۲۹)

چکیده

سکه‌ها اسناد و مدارک ارزشمندی از تاریخ و فرهنگ و هنر و مذهب ایران در دوره‌های قبل و بعد از اسلام هستند که در کاوش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی جهت تاریخ‌گذاری دارای اهمیت زیادی هستند. استفاده از این اسناد بخش مهمی از مطالعات تاریخی ایران در دوره‌های اشکانی و ساسانی را تشکیل می‌دهند و همانند کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها بسیاری از مسائل تاریخی را متبادر می‌کند. در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی باستانی ولیران آثاری از دوره‌های اشکانی و ساسانی کشف گردید. از مهم‌ترین یافته‌های کاوش در این محوطه تعداد هفت سکه از گورستان مربوط به دوره‌ی اشکانی و هشت سکه از داخل معماری متعلق به دوره‌ی ساسانی بود. از آنجایی‌که سکه‌های دوره‌های اشکانی و ساسانی دارای کتیبه و نقش‌های مختلفی هستند، مطالعه و خواندن آن‌ها می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای درخصوص نام شاهان و شکل ظاهری آن‌ها، محل ضرب سکه‌ها، القاب و عناوین، مذهب و به‌طورکل تاریخ‌گذاری دقیق‌تری از محوطه ارائه دهد. پژوهش حاضر بر مبنای مطالعه و خواندن سکه‌های مکشوف از کاوش‌های محوطه‌ی تاریخی ولیران گذارده شده تا از این طریق بتوان خلاءهای علمی را درخصوص دوره‌های اشکانی و ساسانی که به‌واسطه‌ی عدم کاوش باستان‌شناختی در منطقه‌ی شمال فلات مرکزی و به‌ویژه منطقه‌ی دماوند به‌وجود آمده را تا حدودی جبران کرد. این پژوهش به روش توصیفی و با تکیه بر کاوش‌های میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و با کمک از دانش زبان‌های باستانی جهت پاسخ به پرسش‌هایی همچون، گورستان اشکانی و قلعه‌ی ساسانی محوطه ولیران در زمان کدام یک از شاهان دوره‌های اشکانی و ساسانی و به مدت چند سال مورد استفاده قرار گرفته است؟ سکه‌های مکشوف دارای چه ویژگی‌هایی و سبک‌شناسی آن‌ها چیست؟ به انجام رسیده است. نتایج حاصل از مطالعه‌ی سکه‌ها نشان می‌دهد که اشکانیان از دوره‌ی مهرداد دوم تا ارد اول در حدود ۱۰۰ سال اشکانیان از گورستان ولیران جهت دفن اموات خود استفاده کرده‌اند و تقریباً پس از ۵۰۰ سال وقفه، ساسانیان در زمان خسرو اول با ساخت قلعه‌ای در این محل مستقر شده‌اند.

کلیدواژگان: سکه، اشکانی، ساسانی، ولیران، دماوند.

- I. استادیار پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری (نویسنده‌ی مسئول).
Mohamadreza1973@gmail.com
- II. استادیار پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- III. استادیار پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری.

مقدمه

دو امپراتوری اشکانی و ساسانی بیش از سایر سلسله‌های دوره‌ی تاریخی ایران دوام آوردند. اشکانیان در طی مدت تقریباً ۵۰۰ ساله، امپراتوری وسیعی را از شرق تا غرب به وجود آوردند. آن‌ها در طی چند سال، سلوکیان را عقب رانده و مرزهای خود را تا رود فرات در سوریه و از طرفی تا شمال ارمنستان گسترش دادند. از طرف دیگر نیز ساسانیان که خود را جانشینان هخامنشیان معرفی می‌کردند در طی حکومت چهارصد ساله‌ی خود دارای فراز و نشیب‌های زیادی و همواره در دو جبهه‌ی شمال شرق و غرب در حال جنگ بودند که ایالت مرکزی امپراتوری، یعنی ایالت ری در تعیین سرنوشت این درگیری‌ها نقش زیادی داشت. منطقه‌ی دماوند در حدفاصل طبرستان و فلات مرکزی قرار گرفته و موقعیتی عالی از لحاظ سوق الجیشی و نظامی داشته و همواره دروازه‌ی طبرستان به سرزمین ری محسوب می‌شده است. منطقه‌ی دماوند به دلیل قرار گرفتن در شمال فلات مرکزی ایران و سلسله جبال البرز و قلعه‌ی مرتفع دماوند در دوران تاریخی، به خصوص دوران اشکانی و ساسانی از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است (نعمتی، ۱۳۹۰: ۹-۸)؛ و تا مدتی بعد از آن به نام «دماوند» / «دناوند» نامیده می‌شده است (Henning, 1939: 849).

کشف آثار ارزشمند فرهنگی-تاریخی از محوطه‌ی ولیران دماوند را باید سرآغازی در عرصه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی دوره‌های اشکانی و ساسانی در ایران و به ویژه در محدوده‌ی شمال شرق ایالت ری برشمرد.

سکه‌ها، سندی مکتوب و معتبر که از منابع مهم اطلاعاتی برای بررسی فرهنگ، تاریخ، تطور زبان، اعتقادات و اقتصاد هر حکومتی هستند. علاوه بر این، سکه‌ها به طور مستقیم نشان‌دهنده‌ی وجود ارتباطات تجاری در حوزه‌ی نفوذ و گسترش قدرت سیاسی حاکم هستند. از سوی دیگر در برخی موارد، کشف سکه‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود مسیرهای تجاری و ارتباطی در فواصل بسیار زیاد است. از مهم‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی این محوطه، سکه‌ها هستند که مطالعه و بررسی آن‌ها نقش زیادی در روشن کردن ابهامات منطقه‌ی دماوند در این دو دوره دارند. سکه‌های مکشوف و به خصوص سکه‌های دوره‌ی ساسانی دارای کتیبه و نقش‌های مختلفی هستند که اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص نام شاهان و شکل ظاهری آن‌ها، محل ضرب سکه‌ها، القاب و عناوین، مذهب و به طور کل تاریخ‌گذاری دقیق‌تری از محوطه ارائه دهد.

پرسش و فرضیات پژوهش: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی و با تکیه به اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی و با کمک از دانش زبان‌های باستانی صورت گرفته و در پی پاسخ به پرسش‌هایی همچون؛ گورستان اشکانی و قلعه‌ی ساسانی مکشوف از محوطه‌ی ولیران مربوط به کدام یک شاهان این دو دوره بوده و چه مدتی در این محوطه حضور داشته‌اند؟ ویژگی سکه‌ها و سبک‌شناسی آن‌ها چگونه است؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که از دوره‌ی مهرداد دوم تا ارد دوم در حدود ۱۰۰ سال اشکانیان از گورستان ولیران جهت دفن اموات خود استفاده کرده‌اند و این گورستان در اواخر قرن اول قبل از میلاد متروک شده است. تقریباً پس از ۵۰۰ سال وقفه ساسانیان در زمان خسرو اول با ساخت قلعه‌ای در این محل مستقر شده‌اند. روی

سکه‌های اشکانی با تصویری از شاهان این دوره و پشت آن با فردی نشسته روی چهارپایه و کتیبه‌ای در اطراف، و روی سکه‌های ساسانی تصویری از شاهان ساسانی با کتیبه و پشت سکه‌ها نیز آتشدانی در مرکز که در دو طرف فردی ایستاده و اطراف آن‌ها دارای کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی هستند.

پیشینه‌ی پژوهشی منطقه‌ی دماوند

اولین مطالعات باستان‌شناسی در منطقه‌ی دماوند را ژاک دمرگان در سال ۱۹۳۱ م. به انجام رساند و براساس گزارش‌های وی کل شهر دماوند و اطراف آن به لحاظ اهمیت تاریخی و فرهنگی در مورخ ۱۳۱۰/۰۶/۲۴ با شماره‌ی ۵۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید (پازوکی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

در سال ۱۳۴۰ ه.ش. علی‌اکبر سرفراز در طی یک برنامه‌ی بررسی و شناسایی از تپه‌های اطراف دماوند گزارشی ارائه داده که در آن از قلعه‌گیری واقع در ۵۰ کیلومتری جاده‌ی تهران-دماوند و تخت شفیع با قدمت دوره‌ی هخامنشی نام برده است (سرفراز، ۱۳۴۰).

علاوه بر بررسی مذکور می‌توان به گزارش آقای توحیدی و طباطبایی از منطقه‌ی آبسرد (توحیدی و طباطبایی، بی‌تا)، گزارش هوشنگ عظیم‌زاده و جواد بابک‌راد در خصوص امامزاده شلمبه (عظیم‌زاده و راد، ۱۳۵۲)، گزارش مهدی رهبر از قلعه ظهرآباد کیلان در سال ۱۳۵۸ (مرتضایی، ۱۳۸۰: ۲۶۰) و گزارش محمدرحیم صراف از گردتپه دماوند مربوط به دوران تاریخی (صراف، ۱۳۶۱) اشاره کرد.

در سال ۱۳۶۹ منطقه‌ی قلعه عسگر کیلان دماوند توسط عنایت‌الله امیرلو مورد بررسی، گمانه‌زنی و تعیین حریم قرار گرفت که منجر به کشف آثاری از دوران پارینه‌سنگی گردید (امیرلو، ۱۳۷۰: ۹۰).

در سال ۱۳۸۰ شهرستان دماوند برای نخستین بار توسط ناصر پازوکی مورد بررسی و شناسایی کامل قرار گرفت که نتیجه‌ی بررسی‌های به عمل آمده در کتابی تحت عنوان آثار تاریخی دماوند به چاپ رسیده است (پازوکی، ۱۳۸۱).

در سال ۱۳۸۵ اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه‌ی دماوند توسط نگارنده در محوطه‌ی تاریخی ولیبران انجام شد (نعمتی، ۱۳۸۵). فصل دوم این کاوش‌ها در پاییز ۱۳۸۶ انجام و در این فصل حوضه‌ی رودخانه‌ی تارو دماوند نیز مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت (نعمتی، ۱۳۸۶).

دماوند در دوره‌های اشکانیان و ساسانیان

بنابر نامه‌ی تنسر، دماوند تحت قلمرو سلسله‌ی اشکانیان بوده و در قلمرو حکومت شخصی به نام «جسنف شاه» (گشنسب شاه) قرار داشته است. او در متن نامه، خود را حاکم سرزمین‌های طبرستان، فدیشوارگر، گیلان، رویان و دماوند معرفی کرده است (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۱).

بنابر کارنامه‌ی اردشیر، بابکان-اردوان پنجم- آخرین پادشاه اشکانی وقتی که خود را در خطر دید، برای مقابله با اردشیر ساسانی از سرزمین دماوند درخواست نیرو

کرد. از سویی دیگر فوستون بیزانسی، نام سرداری را ذکر می‌کند به نام «دماوند» که از خانواده‌ی کاوسگان بوده و کاوسگان هم نام خانواده‌ای بود که بر سرزمین دماوند حکمرانی داشتند (پازوکی، ۱۳۸۱: ۳۷).

سرزمین دماوند در دوره‌ی اشکانیان نیز همانند دوره‌های قبل، دارای والی، یا ساتراپی بوده که علاوه بر دادن مالیات به اقطاع یا دولت، موظف بوده که هرگاه دولت از لحاظ نظامی به آن‌ها نیازمند بوده به کمک آن‌ها بشتابند (نصرتی، ۱۳۸۱: ۷۲). در دوران ساسانیان نیز سرزمین دماوند همچون دوره‌های قبل دارای ساتراپ بوده و به نظرمی رسد یکی از خانواده‌های نجبای ملوک الطوائف در دماوند ساکن بوده است (صفایی، ۱۳۳۵: ۷۰).

نام دماوند به پهلوی در کارنامه‌ی اردشیر بابکان به صورت «دنباوند» (Dunbawand) و در کتیبه‌های دوره‌ی ساسانی، همچون کتیبه‌ی شاپور اول در نقش‌رستم فارس به صورت «دومباوند» (Dumbawand) و «دنباوند» (Henning, 1939: 829) و در نامه‌ی تنسر (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۱؛ عریان، ۱۳۶۱: ۶؛ تفضلی، ۱۳۶۸: ۳۳۵ و ۳۴۷) و همچنین ایران‌شهر و کتاب جغرافیای موسی خورنی دُماوند آمده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۹). در کتیبه‌ی نرسی (۳۰۲-۲۹۳ م.) در پایکولی کردستان، شمال کرمانشاه، جایی که آثار ساختمانی نرسه پادشاه ساسانی وجود دارد از «ساتراپ دنباوند» (Strp dunbawand) یاد شده است (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۸۶).

نام «وسیمگان دماوند» در رساله‌ی پهلوی شهرستان‌های ایران و نیز نام «مَسْمُغان» در منابع دوران اسلامی به عنوان شاهان محلی در دوره‌ی ساسانی که تا یک قرن و نیم پس از اسلام نیز حکومت می‌کردند، حکایت از این دارد که سرزمین دماوند در دوران ساسانی و حکومت اعراب به صورت مستقل به حیات خود ادامه داده است (عریان، ۱۳۶۱: ۶؛ تفضلی، ۱۳۶۸: ۳۳۵ و ۳۴۷؛ هدایت، ۱۳۲۱: ۱۲۸). سرزمین دماوند در دوره‌ی ساسانیان نیز از لحاظ تقسیمات کشوری همانند دوره‌های قبل بود؛ چون تنسر نامه تأکید دارد که در پایان حاکمیت اشکانیان، دماوند که تحت قلمرو حکومتی «جستف‌شاه» (گشنسب‌شاه) قرار داشته، پس از پیروزی اردشیر، او خود و سرزمین را تسلیم اردشیر نمود و بدین ترتیب حکومت جستف‌شاه که گویا پدر وی نیز همین مقام را داشته باشد، مورد تأیید اردشیر واقع گردید (ابن اسفندیار، بی‌تا: ۱۸).

خاندان گشنسب که از دوره‌ی اشکانیان قدرت شاهی را در منطقه به دست داشتند، توسط قباد به سال ۵۱۹ م. اضمحلال یافت. پس از آن قباد پسر بزرگ خود را به نام «کاووس» که اعتقادات مزدکی هم داشت، حاکم سرزمین‌های پدشخوارگرو دماوند و... نمود (مرعشی، بی‌تا: ۱۴).

مدت حکومت کاووس زیاد طول نکشید، چون قباد پسر کوچک‌تر خود به نام «انوشیروان» (خسرو اول) را جانشین خود کرد. انوشیروان از ترس طغیان برادر در سال ۵۳۱ م. او را از حکومت خلع و سپس اعدام نمود. انوشیروان پس از اعدام برادر، قارن را که یکی از پسران سوخرا، وزیر قباد بود به حکومت سرزمین‌های پتسخوارگر، دماوند و... تعیین نمود.

لازم به ذکر است که از حاکمان محلی سرزمین دماوند، می‌توان خانواده‌ی «کاوِسگان» که ظاهراً از خاندان قارن بودند و نیز «وسیمگان دماوند» در رساله‌ی پهلوی شهرستان‌های ایران آمده است، نام برد که متأسفانه به‌جز نامی از اینان هیچ اطلاعی از آن‌ها در دست نیست.

با شکست دولت ساسانی به تاریخ ۶۳۲ م. و تضعیف قدرت‌های حکمرانان و عمال ایالات و ولایات ایرانی، در سال ۱۴۴ ه.ق. اسپهبد طبرستان پس از فرار از لشکر خلیفه به دیلمان با خوردن زهر به زندگی خود پایان داد و دماوند نیز به تصرف مسلمانان درآمد، اما افتادن دماوند به دست مسلمانان احتمالاً چند سال پس از آن اتفاق افتاد (فرای، ۱۳۷۳: ۱۷۴).

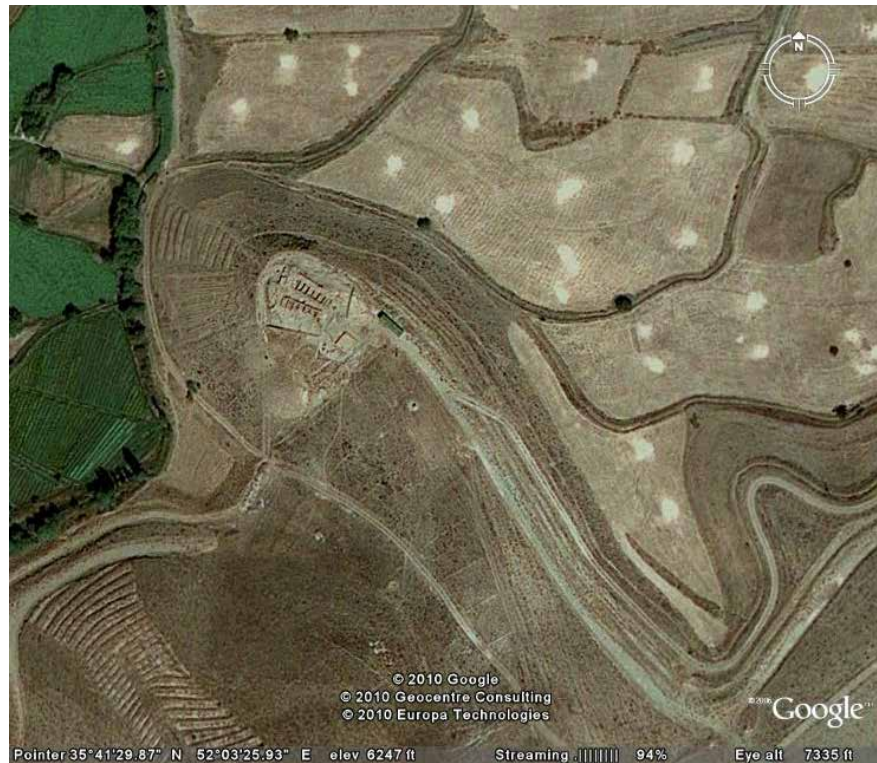
توصیف محوطه

روستای ولیران واقع در بخش مرکزی شهرستان دماوند و جزو دهستان تاررود محسوب می‌گردد که در فاصله‌ی ۴ کیلومتری شمال شرقی گیلاوند و ۱/۵ کیلومتری جنوب شهر دماوند و در ۵۰۰ متری شرق جاده‌ی آسفالتی گیلاوند-دماوند قرار دارد. محوطه‌ی تاریخی ولیران در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳ دقیقه و ۲۴ ثانیه‌ی طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه‌ی عرض جغرافیایی و در فاصله‌ی حدود ۵۰۰ متری جنوب روستای ولیران و در انتهای یال تپه‌ماهورهای مرز بین شلمبه و ولیران قرار گرفته است (تصویر ۲). جنوب این محوطه محدوده‌ی زمین‌های شلمبه و شمال آن زمین‌های ولیران و شرق آن محدوده‌ی تپه‌ماهورهای هر دو روستا و غرب محوطه با چند صد متری رودخانه‌ی تار دماوند جاری است (نعمتی، ۱۳۸۷: ۲۸۲). این محوطه در بین اهالی این دو روستا به اسامی مختلفی چون قلعه دختر، قلعه سنگی و نمک لیس، معروف است و بنابه گفته‌ی اهالی این روستاها حدود ۴۰ سال پیش در این محوطه حفاری‌های غیرمجاز زیادی صورت گرفته که در حین کاوش هیأت آثار این حفاری‌های غیرمجاز را به دست آورد (نعمتی، ۱۳۸۵: ۱). در دو فصل کاوش در محوطه‌ی ولیران بقایای یک قلعه‌ی کوچک به ابعاد ۵۰×۴۰ متر در جهت شرقی-غربی نمایان شد که این قلعه براساس توپوگرافی تپه که شیب آن از شمال به جنوب و از شرق به غرب بود و مشرف به رودخانه‌ی تار ساخته شده بود. این بنا دارای چهار برج دایره‌ای شکل بوده که تنها بخشی از برج شمال غرب آن باقی مانده است. دیوارهای اصلی قلعه به ضخامت ۲۷۰ سانتی‌متر و از خشت‌های نامرغوب به ابعاد ۱۲-۱۰×۴۴-۴۲×۴۲-۴۲ سانتی‌متر و ملاط نازک با گل سفید رنگ و پی لاشه‌سنگ بر روی بستر اصلی تپه قرار گرفته است. بیرون دیوارها در سه طرف شمال، غرب و جنوب به صورت شیب‌دار درست شده که این شیب تا پایین تپه ادامه دارد. از دیوار اصلی قلعه، دیوار شمالی آن باقی مانده و بخش جنوبی، شرقی و غربی آن به‌طور کامل تخریب شده و فقط بخشی از پی سنگی دیوار در جنوب غرب قلعه و همچنین قسمت شیب‌دار پشت دیوارها در این قسمت‌ها موجود است. معماری داخل قلعه براساس شیب تپه ساخته شده شامل یک معبر اصلی در جهت شرقی-غربی که در دو طرف ضلع شمالی و جنوبی معبر اصلی



تصویر ۱. موقعیت محوطه‌ی تاریخی ولیران
دماوند (نعمتی، ۱۳۸۵). ◀

فضاهای معماری منظمی مشتمل بر اتاق‌های متعدد مستطیل شکل است. این اتاق‌ها کاملاً راست‌گوشه نبوده و ابعاد هر چهار ضلع با هم متفاوت می‌باشد. تمام اتاق‌ها براساس شیب تپه ساخته شده و در بعضی قسمت‌ها به منظور مسطح کردن کف اتاق، بخشی از بستر اصلی تپه را کنده‌اند. تمام دیوارها به‌طور مستقیم در روی بستر اصلی تپه قرار دارند. مصالح به‌کار برده شده در بنا، شامل لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای در پی، خشت و چینه در دیوارها با استفاده از ملات گل می‌باشد. همچنین مقداری ملات گچ نیز به‌صورت آوار در بخش‌هایی از فضاهای معماری به‌دست آمده که نشان‌دهنده‌ی استفاده از این مصالح است. در زیر قلعه، گورستانی با شیوه‌های مختلف تدفینی، شامل تدفین: سردابه‌ای، گودالی، خمره‌ای و سنگ‌چین وجود دارد (نعمتی، ۱۳۹۰: ۲۰۹-۲۰۸)، (تصویر ۲).



► تصویر ۲. تصویر هوایی محوطه‌ی تاریخی ولیران دماوند (نعمتی، ۱۳۸۶).

متن شناختی سکه‌های مکشوف از ولیران

یکی از هدایایی که معمولاً در گورهای مختلف دوره‌ی اشکانی وجود دارد، سکه‌ها هستند. سنت قرار دادن سکه در گورهای این دوره احتمالاً یک شیوه و سنتی است که به وسیله‌ی سلوکیان رواج یافته است؛ زیرا در اعتقادات آن‌ها رسم نهادن سکه در دهان شخص مرده جهت پرداختن دستمزد خدای مرگ، یعنی «کاردن» یا «شاردن» برای سلامت سفر مرده و عبور آن از دریای مرگ می‌باشد (Wooly, 1967: 98).

سکه‌های مربوط به دوره‌ی اشکانی از داخل گوری دست‌کند و سردابه‌ای شکل در بخش شرقی محوطه به دست آمد که شامل یک ورودی و یک فضای مرکزی با سه سکو در اطراف که فضای مرکزی نیم متر از سکوها اطراف پایین‌تر و توسط بازوهای گلی کم‌ارتفاع از هم مجزا شده‌اند (تصویر ۳). ورودی در جنوب‌غربی گور و در دل خاک طبیعی تپه‌کنده شده است. طول ورودی به دلیل ناتمام ماندن کاوش این بخش و همچنین وجود یک تدفین در جلو آن مشخص نشد، ولی عرض آن ۷۰ سانتی‌متر، ارتفاع آن از کف راهرو تا سقف ۱۸۱ سانتی‌متر است (نعمتی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). از قسمت‌های مختلف این گور تعداد هفت سکه به دست آمد؛ همه‌ی آن‌ها از جنس نقره و از نوع درهم هستند. درهم، رایج‌ترین پول این دوره بود که در ضرابخانه‌های سراسر کشور ضرب می‌شد و وزن آن در حدود چهار گرم بود (سرفراز، ۱۳۸۸: ۳۰). روی سکه‌ها تصویر شاه اشکانی به صورت نیم‌رخ و به سمت چپ با تاج یا سربندی بر سر و در پشت سکه شاه به شکل ارشک بینان‌گذار اشکانیان بر روی چهارپایه یا صندلی با کمانی به دست نشسته و اطراف آن را کتیبه‌ای حاوی القاب و عنواین از شاه، احاطه کرده است.



تصویر ۳. گور سردابه‌ای و محل کشف سکه‌های اشکانی، (نعمتی، ۱۳۸۵).



تصویر ۴. محل کشف سکه‌های دوره‌ی ساسانی (کارگاه N15)، (نعمتی، ۱۳۸۵).

سکه‌ی مهرداد سوم (Sellwood, 1980: 124) در زیر گردن اسکلت سکوی شرقی (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۱)، سکه‌ی فرهاد سوم (Ibid: 119) با تاج مخصوص که در وسط آن نقش شاخ یا شعله‌ی جواهر نشان دیده می‌شود و حاشیه‌ی خارجی تاج با گوزن تزئین شده (سرفراز، ۱۳۸۸: ۳۴) در میان بقایای تدفین جمع شده در شمال شرق سکوی شرقی و در لابه‌لای استخوان‌ها و اشیاء (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۲)، سکه‌ی مهرداد دوم با سربندی بر سر (Sellwood, 1980: 73) در استودان یا استخوان دانی که در بدنه‌ی طبیعی گور گنده شده، همراه استخوان‌ها و تعدادی اشیای مختلف (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۳)، سکه‌ی فرهاد سوم (Ibid: 119) در کنار اولین اسکلت دفن شده روی سکوی غربی که متعلق به مردی در حدود ۳۰









الی ۳۵ ساله بود (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۴)، سکه‌ی ارد اول (Ibid: 91) در کنار اسکلت شماره‌ی ۲ که دختری در حدود ۱۸ تا ۲۰ ساله بود (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۵)، سکه‌ی ارد دوم با اسکلت سوم که دختر بچه خردسالی در حدود ۵ الی ۶ ساله بود (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۶)، سکه‌ی مهرداد دوم با تاجی که در وسط

جدول ۱. جدول نمونه‌ی سکه‌های اشکانی (نگارندگان: ۱۳۹۷).

شماره	نام شاه	نوع سکه	وزن (گرم)	قطر (میلی‌متر)	روی سکه		پشت سکه		
					نقش	نقش	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه
۱	مهرداد سوم	درهم	۷۸/۸	۳۲	نیم‌رخ فرمانروا با ریش کوتاه و موهای مجعد کوتاه و گردنبندی بر گردن و تاجی نوار مانند بر سر	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی به صورت کمانداری که بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΥ ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΥ ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ	شاه بزرگ ارشک، عادل، نامی، خداپدر، دوست‌دار یونان.
	فرهاد سوم	درهم	۸۱/۸	۳۱	نیم‌رخ فرمانروا با ریش بلند و تاجی مزین به مروارید نشان و شاخ یا شعله‌ی آتش مانند بر سر. درحاشیه تاج نقش گوزن؟	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی به صورت کمانداری که بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	[ΒΑΣΙΛΕΩΣ] ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ [ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ]	[ΒΑΣΙΛΕΩΣ] ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ [ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ]	شاه بزرگ، ارشک، نیکوکار، دوست‌دار یونان
۳	مهرداد دوم	درهم	۵۲/۸	۳۰	نیم‌رخ فرمانروا به سمت چپ با ریش بلند و سرپندی بر سر.	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی به صورت کمانداری که بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ]	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ]	شاه شاهان ارشک، تامدار
۴	فرهاد سوم	درهم	۸۷/۸	۳۱	نیم‌رخ فرمانروا با ریش بلند و تاجی مزین به مروارید نشان و شاخ یا شعله‌ی آتش مانند بر سر. در حاشیه تاج نقش گوزن	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی که به صورت کمانداری که به سمت راست بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [ΑΥΤΟ] ΚΡ[ΑΤΟΡΟΣ] [ΦΙΛΟ] ΠΑΤ[ΟΡΟ] Σ] / ΕΠΙΦΑ[ΝΟΥΣ] ΦΙΛ[ΕΛΛΗΝΟ]	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [ΑΥΤΟ] ΚΡ[ΑΤΟΡΟΣ] [ΦΙΛΟ] ΠΑΤ[ΟΡΟ] Σ] / ΕΠΙΦΑ[ΝΟΥΣ] ΦΙΛ[ΕΛΛΗΝΟ]	شاه بزرگ، ارشک، خودمختار، دوست‌دار پدر، نامی، دوست‌دار یونان
۵	ارد اول	درهم	۸۶/۸	۳۰	نیم‌رخ فرمانروا با ریش بلند و تاجی مزین به مروارید نشان و نقش ستاره	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی که به صورت کمانداری که به سمت راست بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [ΑΥΤΟ] ΚΡ[ΑΤΟΡΟΣ] [ΦΙΛΟ] ΠΑΤ[ΟΡΟ] Σ] / ΕΠΙΦΑ[ΝΟΥΣ] ΦΙΛ[ΕΛΛΗΝΟ]	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [ΑΥΤΟ] ΚΡ[ΑΤΟΡΟΣ] [ΦΙΛΟ] ΠΑΤ[ΟΡΟ] Σ] / ΕΠΙΦΑ[ΝΟΥΣ] ΦΙΛ[ΕΛΛΗΝΟ]	شاه بزرگ، ارشک، خودمختار، دوست‌دار پدر، نامی، دوست‌دار یونان
۶	ارد دوم	درهم	۶۸/۸	۳۲	نیم‌رخ فرمانروا با ریش و موهای فر شده و سرپندی بر سر	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی که به صورت کمانداری که به سمت راست بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [- ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ] [- ΔΙΚΑΙΟΥ] [ΘΕΟΥ] [ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ] [ΦΙΛΕΛΛΗΝΟ]	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ [- ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ] [- ΔΙΚΑΙΟΥ] [ΘΕΟΥ] [ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ] [ΦΙΛΕΛΛΗΝΟ]	شاه بزرگ، ارشک، نامی، عادل، خداپدر، دوست‌دار یونان
۷	مهرداد دوم	درهم	۳۱/۲	۳۱	نیم‌رخ فرمانروا با ریش بلند و تاجی مزین به مروارید نشان و نقش ستاره	تصویر ارشک مؤسس سلسله‌ی اشکانی که به صورت کمانداری که به سمت راست بر تخت یا مطبه‌ای نشسته است.	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ	ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ	شاه شاهان ارشک بزرگ، نامی.

آن نقش یک ستاره با سه ردیف دانه‌های درشت مروارید تزئین شده (Sellwood, 1980: 84)، همراه اسکلت چهارم که زنی ۲۰ الی ۲۵ ساله و در کنار دیواره‌ی طبیعی گور قرار داشت (جدول ۱، سکه‌ی شماره‌ی ۷). در سطح سکوی غربی چهار اسکلت دفن شده که در اطراف و بالای سر آن‌ها مجموعه‌ای نفیس و منحصر به فردی از اشیاء مختلف از جنس‌های مختلف از جمله سکه کشف گردید. لازم به ذکر است در شناسایی سکه‌های اشکانی ضمن مراجعه به آثار سکه‌شناسانی چون: سلوود، آلام و دیگر پژوهشگران این عرصه، مؤلفین خود به خوانش این سکه‌ها پرداخته‌اند. در منتهی‌الیه بخش شرقی قلعه ولیران که بر روی گورستان اشکانی بنا شده تعداد هشت سکه مربوط به دوره‌ی ساسانی به دست آمد (تصویر ۴). ساسانیان به سنت‌های کهن توسل جستند، این امر در طرح سکه‌هاشان مشخص است. همچنین آنان سبک هلنی را در وزن سکه‌هاشان حفظ نمودند (Gobl, 1978: 25) ابتکار ساسانیان در ضرب سکه‌هایی با صفحه‌ای گرد از فلز به صورت صفحه‌ای

جدول ۲. جدول نمونه‌ی سکه‌های ساسانی (نگارنگان، ۱۳۹۷). ▼

شماره	نقش	روی سکه			پشت سکه			تصویر
		نقش			نقش			
		کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۱	تصویر فرمانروا در میان دو کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر نماد ماه و ستاره در جاشبه‌ی سکه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۲	تصویر فرمانروا در میان دو کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر نماد ماه و ستاره در جاشبه‌ی سکه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۳	تصویر فرمانروا در میان دو کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر نماد ماه و ستاره در جاشبه‌ی سکه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۴	تصویر فرمانروا در میان دو کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر نماد ماه و ستاره در جاشبه‌ی سکه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۵	تصویر فرمانروا در میان کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۶	تصویر فرمانروا در میان کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۷	تصویر فرمانروا در میان دو کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر نماد ماه و ستاره در جاشبه‌ی سکه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	
۸	تصویر فرمانروا در میان دو کادر مدور با تاج مخصوص و کتیبه در جلو و پشت سر نماد ماه و ستاره در جاشبه‌ی سکه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	کتیبه	حرف نویسی	ترجمه	

نازک بود. روی سکه برای نام پادشاه در نظر گرفته می‌شد و پشت سکه همواره به عرضه داشتن عنصر یا نمادی دینی اختصاص داده می‌شد (براون، ۱۳۷۴: ۱۹۶). پول ساسانی رایج‌ترین وسیله‌ی دادوستد در قسمت اعظم دنیای آن زمان بوده است و در هر شهری از ایران ضرابخانه یا ضرابخانه‌هایی وجود داشته است که ابتدا به وسیله‌ی کارگزاران شاهی اداره و بعدها به اجاره داده می‌شده است (اعظمی، ۱۳۴۹: ۱۰).

سکه‌های ساسانی ولیران از جنس نقره و از نوع درهم که بین ۳۰ تا ۳۳ میلی‌متر قطر و ۱ میلی‌متر ضخامت دارند. شش مورد از این سکه‌ها مربوط به خسرو دوم (جدول ۲، سکه‌های شماره‌ی ۱ تا ۴ و ۷ و ۸)، یک سکه متعلق خسرو اول (جدول ۲، سکه‌ی شماره‌ی ۵) و یک سکه مربوط به هرمزد چهارم (جدول ۲، سکه‌ی شماره‌ی ۶) است.

بر روی سکه‌های خسرو دوم در داخل دو کادر مروارید نشان مدور تصویر نیم‌رخ او به سمت راست با چشمانی کاملاً باز، آرایش موی مجعد و ریشی انبوه در حالی که تاجی بال‌دار و در بالای آن هلال و گویی کوچک قرار گرفته است، دیده می‌شود. دو رشته‌ی مروارید بر گردن، با گوشواره‌های سه‌تایی دیگر آرایه او است. در مقابل صورت و پشت سر کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی وجود دارد. در خارج از کادر مدور در سه طرف راست و چپ و پایین و همچنین در مرکز بال‌های تاج نشان ماه و ستاره دیده می‌شود. در پشت سکه و در داخل سه رشته‌ی مروارید نشان مدور دو ملازم برسم به دست در کنار آتشدان تکیه داده و علامت ماه و ستاره در چهار طرف حاشیه قرار گرفته است. در داخل کادر و در سمت راست و چپ ملازمان کنار آتشدان محل ضرب سکه و تاریخ آن آمده است. به علت پادشاهی‌های درازمدت او سکه‌های فراوانی از او برجای مانده است، به طوری که فاتحان عرب نیز از این سکه‌ها در دادوستد بهره می‌بردند. سکه‌های او با اندک تعدیل تا آخر سده‌ی ۷ م.، الگوهای اصلی برای سکه‌های نقره‌ای رایج باقی ماند (براون، ۱۳۷۴: ۱۹۶). ستاره در زمان پادشاهی خسرو به نمادها افزوده گردید. شکل گوی در این زمان تغییر نموده و جانشینانش از ستاره به جای گوی استفاده نمودند. تغییرات پشت سکه نیز که همان پیکره‌های کنار آتشدان است، تصویر از روبه‌رو داشته و در ابتدا چوب‌دست‌هایی بلند دارند. این چوب‌دست‌ها بعداً کوتاه شده و جای خود را به قبضه شمشیر می‌دهند (سرفراز، ۱۳۸۸: ۸۸).

بر روی سکه‌ی شماره‌ی ۵ تصویر نیم‌رخ خسرو اول را در داخل کادری مدور مروارید نشان که تاج او با چنبره‌هایی مزین گردیده و در دو طرف نیم‌رخ تصویر کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی و خارج از کادر مدور و در چهار طرف حاشیه‌ی سکه نماد ماه و ستاره به چشم می‌خورد. در پشت سکه در داخل کادر مروارید نشان مدور دو ملازم که بدن آن‌ها از روبه‌رو و صورت‌ها به صورت نیم‌رخ هر یک دستی به کمر نهاده و برسمی بلند در دست و در آتشدان ایستاده‌اند. در سمت راست و چپ ملازمان محل ضرب سکه و تاریخ آن به پهلوی ساسانی آمده است. ساییدگی دو طرف سکه زیاد و تصویر آن به وضوح دیده نمی‌شود.

در زمان خسرو اول خط «گشته دبیره» به صورت خواناتر و مرتب‌تر در روی سکه‌ها دیده می‌شود. در این دوره تنها به نام فرمانروا بر روی سکه بسنده می‌شود. با توجه به نقش سکه‌های خسرو می‌توان وضوح تغییرات که با گذشت زمان در چهره‌ی وی رخ داده است، تشخیص داد. خمیدگی زیاد بینی آثار کهنولت در چهره و سایر تغییرات در سکه‌هایی که در سنوات مختلف ضرب شده، دیده می‌شود (سرفراز، ۱۳۸۸: ۸۸). مشخصات ظاهری سکه‌ی شماره‌ی ۶، همانند سکه‌ی شماره‌ی ۵ بوده و فقط از نظر شکل ظاهری شاه و تاج با یکدیگر متفاوت هستند.

نتیجه‌گیری

سکه‌های مکشوف از گور سردابه‌ای ولیران از دوره‌ی اشکانی از جنس نقره و از نوع درهم که از روی نمونه‌های سلوکی ساخته شده‌اند، با این تفاوت که نیم‌رخ این سکه‌ها برخلاف سکه‌های سلوکی به سمت چپ و به جای خدایان سلوکی در پشت سکه از تصویر ارشک، بنیان‌گذار اشکانیان استفاده شده است. این سکه‌ها مربوطه به پنج پادشاه اشکانی، شامل: مهرداد دوم (دو سکه)، از فرهاد سوم (۷۰-۵۷/۵۷ ق.م.)، مهرداد سوم (۵۷-۵۴ ق.م.)، ارد اول (۹۰-۸۰ ق.م.) و ارد دوم (۵۷-۳۸ ق.م.) هستند. قدیمی‌ترین سکه متعلق به مهرداد دوم بوده که بین سال‌های ۱۲۳ تا ۸۸ ق.م. بر امپراتوری اشکانی حکومت می‌کرده و جدیدترین سکه متعلق به ارد دوم که بین سال‌های ۵۷ تا ۳۷ ق.م. حکومت کرده است. این سکه‌ها و سایر اشیاء موجود در گور سردابه‌ای پایگاه اجتماعی افراد در منطقه‌ی دماوند را نشان می‌دهد. کسانی که دارای پایگاه اجتماعی بالایی بودند اجساد بستگان خود را در داخل این نوع سردابه‌ها با لوازم و اشیاء گران‌قیمت و کسانی که در رده‌های پایین‌تری قرار داشتند در داخل گورهای گودالی، سنگ‌چین و خمره‌ای و بدون سکه و با اشیاء کمتری و یا بدون اشیاء دفن می‌کردند. با توجه به تعداد اسکلت‌های موجود در گور سردابه‌ای (۲۱ اسکلت) و تعداد سکه‌های مکشوف از گور سردابه‌ای چنین به نظر می‌رسد که که همراه افراد خاصی علاوه بر اشیاء سکه نیز قرار می‌دادند. براساس سکه‌های موجود گورستان اشکانی ولیران بین سال‌های ۱۲۳ تا ۳۷ ق.م. در حدود ۱۰۰ سال مورد استفاده قرار گرفته است و تا زمانی که از گور سردابه‌ای برای تدفین استفاده می‌شده در اطراف آن نیز تدفین‌هایی با شیوه‌های دیگر انجام می‌گرفته است.

سکه‌های ساسانی ولیران از جنس نقره و آن‌هم درهم بوده که همانند سایر درهم‌های به دست آمده از نقاط دیگر روی سکه تصویر نیم‌رخ شاه به سمت راست که معمولاً داخل یک یا دو کادر مدور مرواریدنشان است و در جلو و پشت سر شاه دارای کتیبه‌ای به خط پهلوی ساسانی هستند. در پشت سکه در داخل یک تا سه کادر مدور مرواریدنشان دو ملازم در کنار آتشدان ایستاده و در سمت چپ و راست محل ضرب و تاریخ آن به خط پهلوی ساسانی آمده است. در حاشیه‌ی سکه‌ها و بیرون از کادر نماد ماه و ستاره وجود دارد که این نماد بر روی برخی سکه‌ها نیز دیده می‌شود. قدیمی‌ترین سکه‌ی مکشوف از بخش ساسانی ولیران متعلق به سال شانزدهم از

سلطنت خسرو اول (۵۴۶/۵۴۷ م.) و ضرب ابرشهر است. از سال هفتم سلطنت هرمز چهارم (۵۸۵/۵۸۶ م.) یک سکه ضرب یزد به دست آمد. از خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ م.) شش قطعه سکه مربوط به سال دوم سلطنت (۵۹۲/۵۹۳ م.) و ضرب یزد، سال پانزدهم سلطنت (۶۰۶/۶۰۷ م.) و ضرب شوش، سال بیست و پنجم (۶۱۶/۶۱۷ م.) سلطنت و ضرب میشان، سال بیست و هشتم سلطنت (۶۱۹/۶۲۰ م.) و ضرب بلخ، سال سی و یکم سلطنت (۶۲۲/۶۲۳ م.) و ضرب شیراز، و سال سی و پنجم سلطنت (۶۲۶/۶۲۷ م.) و ضرب اردشیرخوره است. براساس این سکه‌ها، محوطه‌ی ولیبران پس از ۵۰۰ سال وقفه در دوره‌ی ساسانی و حداقل از زمان خسرو اول دارای استقرار بوده و احتمالاً تا اواخر دوره‌ی ساسانی از قلعه‌ی ساخته شده استفاده می‌کردند. آن‌چه که در این سکه‌ها بیشتر از همه جلب توجه می‌کند، این است که محل ضرب هیچ‌یک از سکه‌ها به خصوص سکه‌های خسرو دوم شبیه به هم نبوده و از نقاط مختلف جنوب، مرکز، شرق و شمال شرق ایران بوده‌اند. کشف این سکه‌های با محل ضرب‌های مختلف نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستقیم منطقه‌ی دماوند با شهرهای ضرب‌کننده‌ی سکه است. با توجه به کارکرد بنای ولیبران که براساس شواهد و مدارک مکشوف از جمله گودال‌های داخل فضاها که تعدادی خمره‌ی بزرگ در هر یک جای گرفته، وجود سفال‌نوشته‌هایی به خط پهلوی ساسانی که معمولاً جنبه‌ی اقتصادی دارند و تعداد زیادی سنگ‌های توزین که قلعه‌ای جهت انبار کالاها از جمله غلات بوده و این سکه‌ها همراه با ورود کالاهایی از نقاط مختلف ایران از جنوب، مرکز، شرق و شمال شرق ایران به منظور فعالیت اقتصادی به این محل آورده شده‌اند.

کتابنامه

- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن بن کاتب، بی‌تا، تاریخ طبرستان. به تصحیح: عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، ۱۳۴۹، "تحول سکه در ایران از دوره هخامنشی تا اوایل دوره اسلامی"، مجله هنر و مردم، شماره ۱۰۰، صفحه ۱۴-۹.
- امیرلو، عنایت‌الله، ۱۳۷۰، «کاوش در دماوند». مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، شماره‌ی ۹-۸، ص: ۹۰.
- براون، ادوارد، ۱۳۶۱، تاریخ ادبیات ایران. ترجمه‌ی فتح‌الله مجتبابی، تهران: انتشارات مروارید.
- پازوکی طرودی، ناصر، ۱۳۸۱، آثار تاریخی دماوند. تهران: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- پازوکی طرودی، ناصر، ۱۳۸۱، معرفی اجمالی دماوند و فهرست آثار تاریخی - فرهنگی آن. تهران: انتشارات اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۶۸، رساله شهرستان‌های ایران. در شهرهای ایران، جلد ۲، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- توحیدی، فائق؛ و طباطبایی، بی‌تا، «گزارش بررسی‌های استان تهران، آبسرد

- دماوند». مرکز اسناد و مدارک فرهنگی (منتشر نشده).
- عریان، سعید، ۱۳۶۱، «شهرهای ایران». چیستا، شماره ۵، سال دوم، صص: ۶۱۹-۵۹۳.
- عظیم‌زاده، هوشنگ، و راد، بابک، ۱۳۵۲، «گزارش امامزاده شلمبه». مرکز اسناد و مدارک فرهنگی (منتشر نشده).
- سرافراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۰، «گزارش بررسی‌های استان تهران، تپه‌های اطراف دماوند». مرکز اسناد و مدارک فرهنگی (منتشر نشده).
- صفایی، علی، ۱۳۳۵، دماوند، اوضاع اقتصادی و اجتماعی. تهران: معرفت.
- صراف، محمدرحیم، ۱۳۶۱، «گزارش بررسی‌های استان تهران، گرد تپه دماوند». مرکز اسناد و مدارک فرهنگی (منتشر نشده).
- فرای، ریچارد، ۱۳۷۳، میراث باستانی ایران. ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادمیر گریگوریوچ، ۱۳۶۵، تمدن ایران ساسانی. ترجمه‌ی رضا عنایت‌الله، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳ ایران‌شهر: برمبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمه‌ی مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مرعشی، سید ظهیرالدین، بی‌تا، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. تصحیح: محمدحسین تسبیحی، تهران: موسسه شرق.
- مرتضایی، محمد؛ و بنوار، ایما، ۱۳۸۲، راهنمای باستان‌شناسی ایران. تهران: انتشارات مریم.
- مینوی، مجتبی، ۱۳۵۴، نامه تنسر به گشنسب. با همکاری محمداسماعیل رضوانی، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- نصرتی، مسعود، ۱۳۸۱، تاریخ دماوند و آثار تاریخی آن. تهران: فیض کاشانی.
- نعمتی، محمدرضا، ۱۳۸۵، «گزارش فصل اول کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی تاریخی ولیران». پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- نعمتی، محمدرضا، ۱۳۸۶، «فصل اول کاوش محوطه‌ی تاریخی ولیران دماوند». مجله‌ی گزارش‌های باستان‌شناسی، شماره ۷، جلد ۲، پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۳۹۱-۳۶۹.
- نعمتی، محمدرضا، ۱۳۸۷، «پژوهشی در فرهنگ و هنر دوره‌ی اشکانی در فلات مرکزی ایران براساس ریتون‌های مکشوف از محوطه‌ی تاریخی ولیران دماوند». مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۴-۱۸۶، دوره ۵۹، صص: ۲۹۷-۲۷۹.
- نعمتی، محمدرضا، ۱۳۹۰، «بررسی منطقه‌ی دماوند در دوره‌ی اشکانی و ساسانی مطالعه‌ی موردی: محوطه‌ی تاریخی ولیران». رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- نعمتی، محمدرضا، ۱۳۹۱، «بررسی شیوه‌های تدفین در گورستان اشکانی ولیران دماوند». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲، صص: ۱۲۱-

.۱۰۳

- هدایت، صادق، ۱۳۶۱، «شهرستان‌های ایران». مجله‌ی مهر، سال ۷، شماره‌ی ۲، صص: ۱۳۱-۱۲۷.

- Wooly, L., 1967, *Digging up the past*. Pengwn books.-
- Sellwood, D., 1980, *The conage of Parthia*. London.
- Henning, W. B., 1939, "The great inscription of Shahpur1", *BSO(A)* 9, pp. 823-49
- Gobl, R., 1968, *Sasanidische Numismatik*. Braunschweig.